

دوره‌ی نوسنگی در غرب چهارمحال و بختیاری؛ محوطه‌های نویافته‌ی بخش میان کوه، شهرستان اردل

علیرضا خسروزاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد
Akhosrowzadeh@yahoo.com

محسن بهرامی‌نیا

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۰۶
(از ص ۶۱ تا ۸۰)

چکیده

تا پیش از سال ۱۳۸۷ تنها یک محوطه مربوط به دوره‌ی نوسنگی در بخش‌های غربی استان چهارمحال و بختیاری شناسایی شده بود، بنابراین آگاهی ما از چگونگی یکجانشینی و توسعه‌ی معیشت کوچ‌نشینی در این منطقه بسیار اندک بود. طی سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۰ طی سه فصل بخش میان کوه در جنوب غرب شهرستان اردل که از کوهستانی‌ترین بخش‌های استان چهارمحال و بختیاری است، برای نخستین بار بررسی باستان‌شناختی شد که نتایج قابل توجهی در برداشت؛ از جمله می‌توان به شناسایی ۶۰۰ محوطه مربوط به دوره‌ی پارینه‌سنگی میانی تا دوره‌ی قاجاریه اشاره کرد که از این تعداد شمار ۹ محوطه مربوط به دوره‌ی نوسنگی است. بیشتر محوطه‌های شناسایی شده‌ی نوسنگی در دره‌های سرخون و هلو سعد واقع شده‌اند.

همان‌گونه که با توجه به وضعیت طبیعی منطقه قابل پیش‌بینی بود، بیشتر محوطه‌های شناسایی شده در تمامی دوره‌ها از نوع پراکندگی سفال بدون ارتفاع محسوس هستند. این محوطه‌ها بر اساس ریخت‌شناسی و مشاهدات امروزی درباره‌ی کوچ‌نشینان منطقه، و نیز شمار اندک یافته‌های سطحی آنها از نوع کوچ‌نشینی هستند.

بیشتر محوطه‌های شناسایی شده دوره نوسنگی در دره‌های کوچک و بزرگ و دامنه‌ی ارتفاعات قرار گرفته‌اند و تمامی ویژگی‌های ریخت‌شناختی استقرارهای کوچ‌نشینی امروزی را دارند و تنها در چند محوطه شواهدی از تداوم استقرارها دیده می‌شود. با بررسی محوطه‌های نوسنگی مشخص می‌شود که تمامی آنها دوره‌ی استقرار کوتاهی داشته‌اند، به این معنا که پس از این دوره یا متروک شده‌اند یا تنها برای مدت کوتاه دیگری مسکونی بوده‌اند.

سفال نوسنگی این منطقه با اندک شباهت به سفال موشکی و جری در فارس و سفال نوسنگی خوزستان بیشترین همخوانی را با سفال قلعه‌رستم نشان می‌دهد که احتمالاً منشأ محلی دارد. در بین فرهنگ‌های نوسنگی قدیم جنوب غرب، سفال‌های قلعه‌رستم I و II بیشترین شباهت را با محوطه‌های نوسنگی قدیم میان کوه دارند.

کلیدواژگان:

نوسنگی، میان کوه، موشکی، جری، قلعه رستم

۱. تا چند ده سال پیش، بخش‌های شمالی، شمال غربی و غربی استان چهارمحال و بختیاری، منحصراً (و امروزه اکثراً) توسط کوچ‌نشینان مورد استفاده بود و مراکز جمعیتی این بخش‌های نسبتاً گسترده ولی کوهستانی تنها به شمار معدودی روستای دائمی منحصر می‌شد.

مقدمه

استان چهارمحال و بختیاری در جنوب کوههای زاگرس، در جنوب غرب ایران قرار گرفته است (شکل ۱). برخلاف دیگر بخشهای کوهستانی فلات ایران، این ناحیه از نظر باستان شناختی خیلی کم شناخته شده است. این ناحیه مهم بین دو منطقه فرهنگی جنوب غرب ایران، فارس و خوزستان قرار گرفته است. اطلاعات اولیه و اصلی در ارتباط با این ناحیه، از کارهای زاگارل در سال ۱۹۷۹، قبل از انقلاب اسلامی دانسته می شود. یکی از مهمترین محوطه‌هایی که توسط زاگارل در دشت خانمیرزا کاوش شد، قلعه رستم بود. بر اساس سفالهایی که از محوطه‌های مختلف و لایه‌نگاری قلعه رستم به دست آمده بود، او برای اولین بار توالی فرهنگهای پیش از تاریخ چهارمحال و بختیاری را ارائه کرد. او مطالعاتش را بیشتر روی توالی دوره‌ی پیش از تاریخ متمرکز کرد و موفق شد گونه‌ی جدیدی از سفال دوره‌ی نوسنگی که متفاوت با سفال نوسنگی فارس بود را معرفی کند. او این دوره‌ی فرهنگی را به نام قلعه رستم نام‌گذاری کرد (بر اساس محوطه‌ای که برای اولین بار این گونه سفال از سطح آن به دست آمد) (زاگارل، ۱۳۸۷؛ Zagarell 1975; Nissen & Zagarell 1976).

یکی دیگر از مهمترین محوطه‌های نوسنگی استان که در سال ۱۳۸۴ توسط علی اصغر نوروزی کاوش شد، تپه‌ی باستانی گنبدک (سراب) در جنوب شهرکرد است. این محوطه حدود یک هکتار وسعت دارد. مطالعه‌ی بقایای استقرار این محل، حاکی از وجود استقرار دوره‌ی نوسنگی بدون سفال در لایه‌های تختانی است. ابزارهای متعدد سنگی از نوع سنگ چخماق، چرت و مخصوصاً اِسیدین و پیکرک‌های گلی و ابزار استخوانی این تپه بسیار قابل توجه است (نوروزی، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

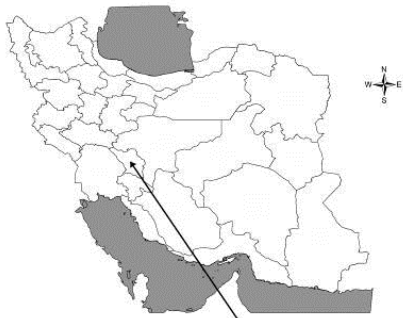
منطقه‌ی بررسی شده، بخش میان کوه، در بخشهای جنوب غربی استان چهارمحال و بختیاری قرار گرفته است. این ناحیه تا پیش از این توسط هیچ محقق و باستان‌شناسی بررسی نشده بود؛ تنها در سال ۱۹۷۹ زاگارل طی بررسیهای خود به دو محوطه‌ی مربوط به دوره‌ی نوسنگی در روستای چُلدان در دره‌ی هلیساد اشاره کرده بود (زاگارل، ۱۳۸۷). طی سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ نیز در سه فصل این بخش توسط نگارنده بررسی شد که در نتیجه‌ی این سه فصل بررسی شمار ۶۰۰ محوطه‌ی باستانی شناسایی و ثبت شد (بنگرید به: خسروزاده، ۱۳۹۰، ۱۳۸۹، ۱۳۸۸).

طی این بررسی‌ها شمار زیادی محوطه مربوط به دوران پیش از تاریخ شناسایی و ثبت شد که از این میان احتمالاً ۹ محوطه در میان کوه مربوط به دوره‌ی نوسنگی است. مهمترین پرسشها و فرضیه‌هایی که در ارتباط با محوطه‌های نوسنگی منطقه‌ی میان کوه مطرح است عبارتند از:

۱. آیا فرهنگ مادی این منطقه در دوره‌ی نوسنگی به ویژه با تأکید بر گونه‌شناختی سفال این دوره، ویژگی‌های بومی - محلی دارد یا این که بخشی از گستره‌ی فرهنگی فارس و خوزستان است؟

به نظر می‌رسد سنت ساخت سفال این منطقه تحت تأثیر سفال شمال فارس بوده، گونه‌هایی مشابه با سفال مناطق پست خوزستان نیز در بین نمونه‌ها دیده می‌شود، هرچند شمار زیادی از سفال‌ها بومی و ساخت خود محل هستند.

۲. ساختار، پراکندگی و وسعت استقرارها دوره‌ی نوسنگی به چه شکل است و



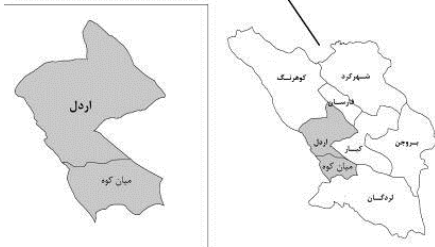
چه اطلاعاتی را درباره کارکردهای اقتصادی و اجتماعی محوطه‌های موجود ارائه می‌دهد؟

با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی بیشتر محوطه‌های شناسایی شده از نوع کوچ‌نشینی هستند. این محوطه‌ها از نظر ریخت‌شناسی یا بر روی تپه‌های طبیعی یا در شیب بلافاصله دامنه‌ی کوهها قرار دارند، معمولاً در نزدیکی یا در همان محل وارگه‌های امروزی کوچ‌نشینی. شماری از محوطه‌ها نیز با توجه به وجود مواد فرهنگی فراوان و وجود نهشته‌های ضخیم احتمالاً برای تمام یا بخش قابل توجهی از سال مورد استفاده بوده‌اند.

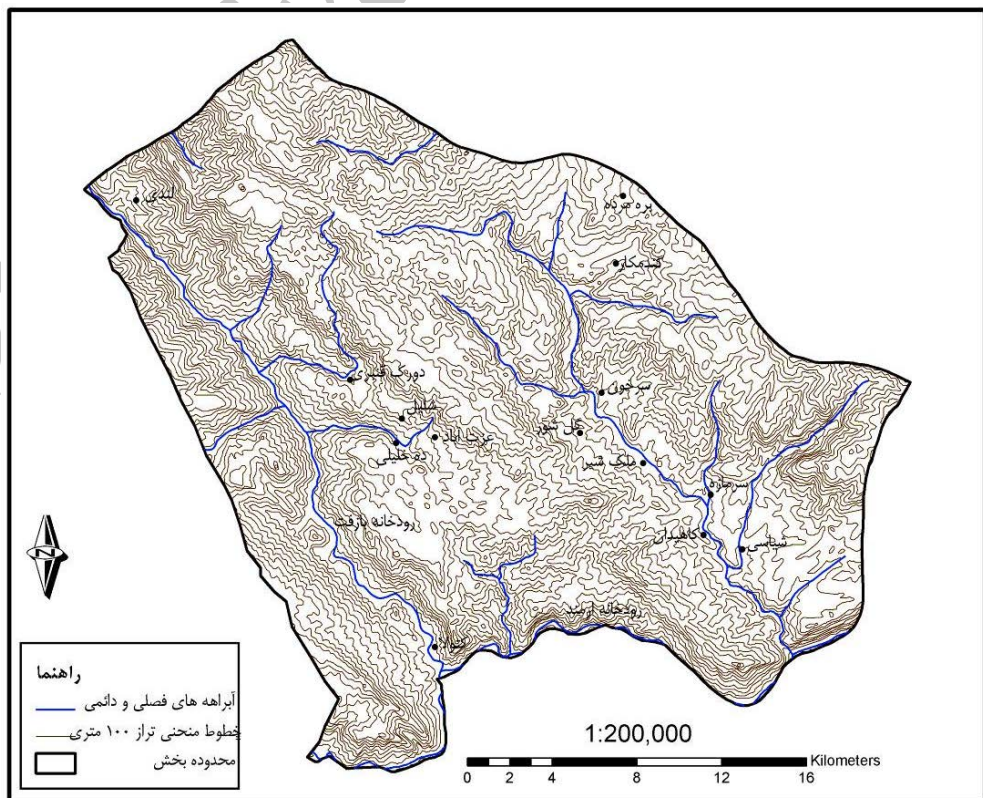
محدوده‌ی بررسی و ملاحظات زیست‌محیطی

میان کوه در بخش میانی کوه‌های زاگرس واقع شده و رشته کوه‌های نسبتاً مرتفع با چندین قله‌ی بالای ۳۰۰۰ متر ارتفاع بخش‌های قابل توجهی از چشم‌انداز طبیعی این منطقه را تشکیل می‌دهند. این چشم‌انداز عبارت از چند دره‌ی نسبتاً عریض و بزرگ و چندین دره‌ی کوچک منتهی به این دره‌هاست (شکل ۱). این بخش از زاگرس نیز همانند دیگر بخش‌ها، دارای روند عمومی شمال‌غرب- جنوب‌شرق و متشکل از دره‌های موازی است. از نظر زمین ریخت‌شناسی این منطقه ترکیبی است از کوه‌های بلند و دره‌های عمیق که امکان کاربری‌های متنوعی از زمین را فراهم کرده است. این منطقه توسط رودخانه‌ی سرخون و کارون و شاخه‌های پر آبی که در کوهستان به آن می‌پیوندند مشروب می‌شود.

منطقه‌ی بررسی شده شامل دو چشم‌انداز کاملاً متفاوت است (شکل ۲). مناطق پست و کم ارتفاع که ارتفاعی بین ۱۱۰۰ تا ۲۰۰۰ متر دارند. این بخش همانطور که اشاره شد شامل دره‌های عمیق و کم عرض تپه‌ماهوری با پوشش جنگلی



▲ شکل ۱: موقعیت بخش میان کوه در نقشه‌ی استان و ایران



▲ شکل ۲: نقشه‌ی توپوگرافی محدوده‌ی بررسی شده

از نوع بلوط، بنه و کلخونگ است. این پوشش در بعضی جاها بسیار انبوه و در بعضی جاها بسیار تنک دیده می‌شود. دو رودخانه‌ی بزرگ با زفت در مسیر شمال به جنوب و رودخانه‌ی آرمنند در مسیر تقریباً جنوب به شمال در این بخش جاری هستند (شکل ۲). این منطقه در تابستانها بسیار گرم و در زمستانها هوایی معتدل دارد. بخشهای شرقی این محدوده محل قشلاق شماری از ایلات بختیاری است. بخشهای مرتفع ارتفاعی بین ۲۰۰۰ تا ۳۶۰۰ متر دارند. در این بخش همانگونه که اشاره شد، شمار زیادی پهنه‌های مسطح که دارای دریاچه‌ها یا آبگیرهای فصلی (گوراب) هستند، و پهنه‌های با ماهیت تپه‌ماهوری دیده می‌شود. این پهنه‌ها به خصوص در ارتفاعات شمالی بخش میان کوه وجود دارند. از مهمترین این پهنه‌ها می‌توان به گوراب بزرگ، گوراب کوچک، هُشک آخر و چال هُشکه، مُهیز، بردتشدان و هفت چشمه اشاره کرد. پوشش گیاهی این بخش نیز کاملاً متفاوت با بخشهای پست است. این بخش دارای پوشش انبوه بوته‌ای از نوع گون، جاز و بوته‌های خار است. در این بخش نسبت به بخشهای کم ارتفاع چشمه‌های اندکی جاریست و هیچ روستای مسکونی وجود ندارد. این قسمت یکی از مهمترین بخشهای استقرار کوچ‌نشینان بختیاری است. با توجه به خشک شدن چشمه‌های آب و دریاچه‌های فصلی، عشایر زودتر از موعد مقرر و در شهرپور این منطقه را ترک می‌کنند. بیشتر محوطه‌های ثبت شده در این بخش از نوع محوطه‌های روباز دارای پراکندگی دست ساخته‌های سنگی هستند.

بخش میان کوه علی‌رغم محدودیت وسعت، از تنوع نسبتاً زیاد گونه‌های گیاهی برخوردار است، ضمن اینکه کوتاه بودن فصل سرما و شمار اندک تعداد روزهای یخبندان در کنار مرغوبیت زمین ساخت و گاهاً خاک، موجب پوشش انبوه گیاهی در برخی نقاط این بخش شده، بر این اساس گونه‌ی جنگلی نسبتاً فراوانی در محدوده بخش وجود دارد و عمدتاً شامل بلوط، بنه، کلخونگ، و دیگر درختان جنگلی زاگرسی است. در بخشهای مرتفع‌تر و سردتر نیز پوشش انبوه گون و گیاهان سردسیری دیده می‌شود.

دره‌های میان کوهی حاصل خیز میان کوه که غالباً به خوبی مشروب می‌شوند برای معیشتی مرکب از کشاورزی گسترده و کوچ‌نشینی مبتنی بر گله‌داری بسیار مناسب هستند. برخی از این دره‌ها هم اکنون نیز قویاً زیر کشت‌اند. پتانسیل کشاورزی دره‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است. در چند دره شرایط عالی برای کشاورزی وجود دارد. چند دره قویاً زیر کشت‌اند و مقدار زیادی گندم و جو در آنها تولید می‌شود. با وجود این ترکیبی از کشاورزی و گله‌داری در این منطقه متداول‌تر است، که این امر به خاطر پتانسیل محدود کشاورزی برخی از دره‌هاست. از سوی دیگر شمار کمی از این دره‌ها فقط برای گله‌داری مناسب است؛ در این نواحی زمین برای کشاورزی بیش از حد سنگلاخ و جنگلی است. بنابراین ما با منطقه‌ای روبرویم که با واقع شدن در بین کوههایی با منابع سرشار کشاورزی و دامداری می‌تواند جمعیت بزرگ را در خود جای دهد. از سوی دیگر این دره‌ها با دیگر دره‌ها و دشتهای همجوار راه دارند، بنابراین امکان ارتباطات درون منطقه‌ای نیز میسر است.

دره‌ی میان کوهی گندمکار-سرخون یکی از مهمترین و حاصلخیزترین دره‌های میان کوهی بخش میان کوه است. این دره در جهت شمال غرب به جنوب شرق قرار گرفته است. این دره نسبتاً ناهموار و مرکز آن از حاشیه‌ها گودتر است.

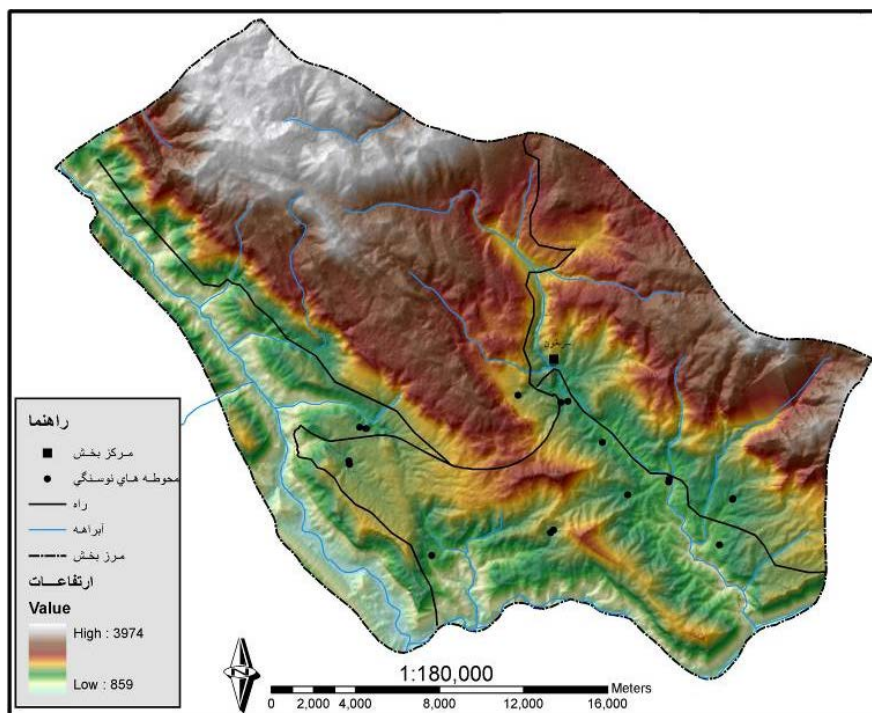
کوههای نسبتاً مرتفعی که پوشیده از پوشش جنگلی بلوط، بنه و کلخونگ هستند این دره را در بر گرفته‌اند. عریض‌ترین بخش این دره در حد فاصل روستاهای سرخون و گندمکار و بخش هلوسعد و تنگ‌ترین قسمت آن در انتهای جنوب شرقی دره، در روستاهای رفن و شیاسی دیده می‌شود. این دره از سوی شرق بوسیله‌ی گردنه‌ی بره مرده از بخش ناغان و شهرستان کیار، و از سوی جنوب توسط گردنه‌ی کفِتِ کِرمون از شهرستان لردگان جدا می‌شود. خاک این دره بسیار مناسب و در تمامی قسمت‌ها برای کشت انواع محصولات کشاورزی مناسب است. رودها و چشمه‌های متعددی در این دره جاری است. از مهمترین رودهای جاری در این دره رود سرخون است که حاشیه‌ی روستای سرخون علیا در ابتدای دره‌ی سرخون سرچشمه گرفته و در جهت شمال غرب به جنوب شرق به سمت شهرستان لردگان جاری است. این رود در مسیر خود از کنار روستاهای سرخون علیا و سفلی، روستاهای بخش هلوسعد، رفن، شیاسی و قائدان عبور می‌کند. این رود به نام آب سرخون معروف و پس از مشروب کردن مزارع این بخش در جهت جنوب شرقی به سمت شهرستان لردگان جاری است.

شیوه‌ی بررسی

شیوه‌ی بررسی ما در میان کوه متناسب با وضعیت توپوگرافی منطقه تعیین شد. محدوده‌ی بررسی شده در میان کوه عبارت بود از چند دره‌ی بزرگ و دره‌های جانبی و منتهی به این دره‌ها (شکل ۲). در بررسی منطقه سعی شد تمامی چشم‌انداز مورد نظر به صورت پیمایشی (فشرده) بررسی شود. ویژگی اصلی ریخت‌شناسی این منطقه وجود دره‌های کوچک و بزرگ است. بیشتر این دره‌ها کوچک، کم‌عرض و طویل هستند و فقط چند دره بیش از ۵ کیلومتر طول دارند. هر یک از این دره‌ها به صورت پیمایشی بررسی شدند. تنها بخش‌هایی از دره‌ها که به زیر کشت محصولات کشاورزی، به خصوص برنج رفته و دارای پوشش انبوه گیاه و درخت بود، پیمایش نشد که برای بررسی این قسمت بیشتر از اطلاعات کشاورزان و مردم محلی استفاده شد. برای شماره‌گذاری محوطه‌ها در بررسی میان کوه از ترکیب سه حرف (MKS Miyan Kuh Survey) و یک عدد که مختص هر محوطه است استفاده شد.

محوطه‌ها و استقرارهای دوره‌ی نوسنگی

بر اساس مطالعه‌ی سفال‌های به دست آمده از محوطه‌های شناسایی شده‌ی میان کوه، شمار ۹ محوطه منسوب به دوره‌ی نوسنگی است. تمرکز محوطه‌های نوسنگی بیشتر در بخش‌های جنوبی دره‌ی سرخون و هلوسعد است (شکل ۳). این محوطه‌ها به دو شکل یکجانشین و کوچ‌نشین (استقرارهای فصلی) دیده می‌شوند. بیشتر محوطه‌های شناسایی شده به شکل کوچ‌نشین هستند که پراکندگی سفال و ابزار سنگی بر سطح آنها نسبتاً کم است. این محوطه‌ها نهشته‌ی ضخیم استقرارهای ندارند و بیشتر در دامنه‌ی کم شیب کوه‌ها و تپه‌ها دیده می‌شوند. معمولاً در کنار این محوطه‌ها یک چشمه‌ی آب دائمی نیز دیده می‌شود. محوطه‌های نوسنگی بیشتر در دره‌های کوچک منتهی به دره‌های سرخون، هلوسعد و شیاسی دیده می‌شوند (شکل ۳). بزرگترین محوطه‌ی یکجانشین نوسنگی شناسایی شده محوطه‌ی سرکول سرمازه‌ی ۱ با ۱/۵ هکتار در نزدیکی روستای

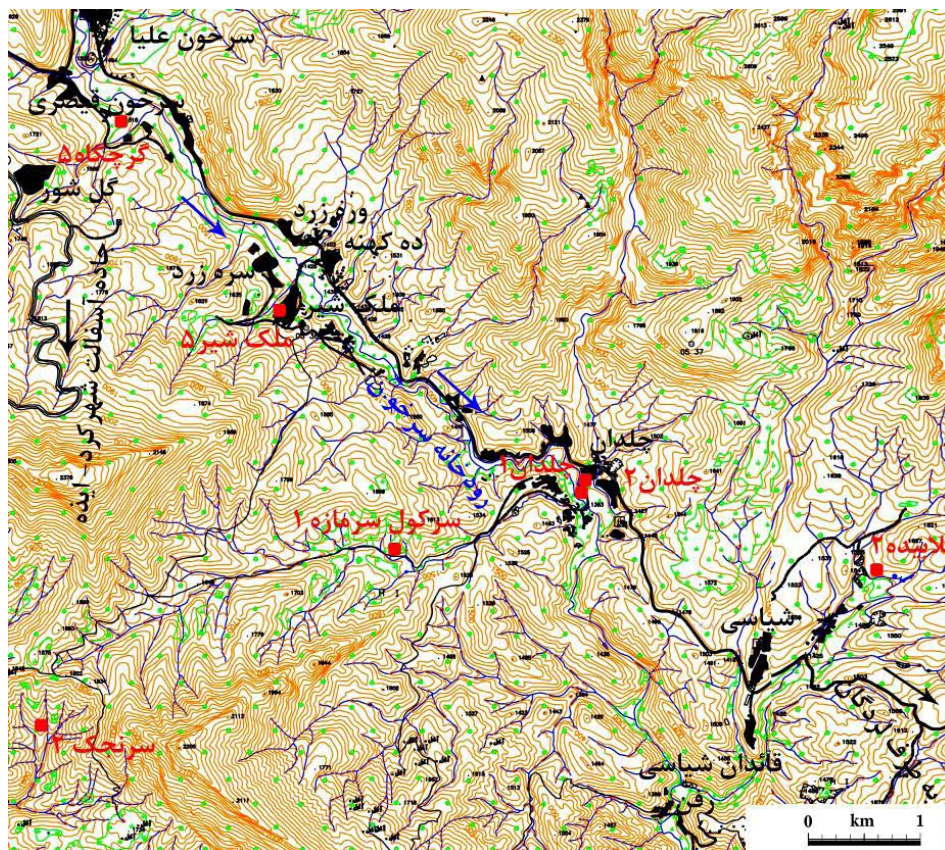


شکل ۳: نقشه‌ی پراکنش محوطه‌های نوسنگی شناسایی شده

سرمازه، و بزرگترین محوطه‌ی کوچ نشینی، محوطه‌ی شیاسی با ۱/۲ هکتار وسعت است. بیشتر محوطه‌های دوره نوسنگی کمتر از یک هکتار وسعت دارند.

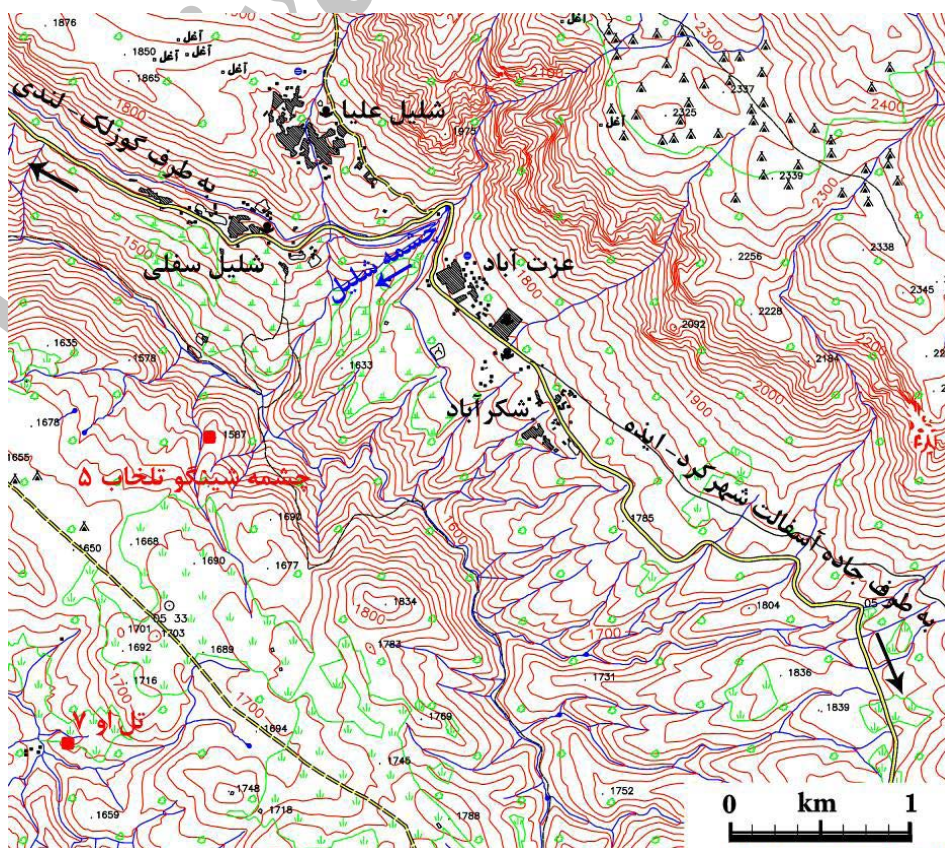
گرچگاه ۵ (MK 65): یکی از مهمترین محوطه‌های نوسنگی میان کوه است. این محوطه در حاشیه‌ی شرقی روستای سرخون قیصری قرار دارد (شکل ۴) (شکل ۶). این محوطه روی تپه‌ای طبیعی شکل گرفته است. تپه‌ی طبیعی که محوطه بر آن شکل گرفته تقریباً بیضی شکل و از هر چهار سو شیب تند دارد. چشم‌انداز اطراف محوطه به شکل تپه‌ماهورهایی است که سطح و دامنه‌ی آنها پوشیده از درختان بلوط است. سطح و دامنه‌ی تپه‌هایی که شیب کمتری داشته از درختان بلوط پاکسازی شده، شخم خورده و به زیر کشت گندم دیم رفته است. بر سطح این محوطه همچون تمامی محوطه‌های شناسایی شده در این منطقه شماری قلوه‌سنگ و لاشه‌سنگهای کوچک و بزرگ دیده می‌شود. این محوطه یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های شناسایی شده در دره‌ی سرخون است که از فاصله‌ی چند کیلومتری نیز به راحتی قابل تشخیص است.

ملک‌شیر ۵ (MK 109): این محوطه در حاشیه‌ی شمالی روستای ملک‌شیر بر سطح پشته‌ای نسبتاً مرتفع در دره‌ای کوچک و کم عرض در بخش غربی دره‌ی هلو سعد در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری قرار گرفته است (شکل ۷). این تپه‌ماهورها از سوی شرق به بستر رودخانه‌ی سرخون و از سوی غرب به کوه‌های نسبتاً مرتفع منتهی می‌شوند. در بستر این دره‌ی کوچک رودخانه‌ی فصلی کوچکی جاریست (شکل ۴). بر سطح این تپه‌ماهورها پوشش جنگلی بلوط دیده می‌شود. ابعاد تقریبی محوطه ۹۰×۸۰ متر است. بر سطح آن شمار فراوانی لاشه و قلوه‌سنگهای کوچک و بزرگ دیده می‌شود. در بخش‌های جنوبی و غربی محوطه خانه‌های



▲ شکل ۴: موقعیت محوطه‌های
نوسنگی روی نقشه‌ی

شکل ۵: موقعیت محوطه‌های
نوسنگی روی نقشه‌ی



نامی باستانی
۶۷



شکل ۶: نمای عمومی محوطه‌ی گرچگاه ۵، دید از غرب



شکل ۷: نمای عمومی محوطه‌ی ملک شیر ۵، دید از شمال

نامی باستانی

شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

روستایی ایجاد شده و بخشهایی از محوطه نیز توسط روستائیان تخریب شده است. در بخشهایی که توسط روستائیان تخریب شده به راحتی می‌توان در دیواره‌های ایجاد شده نهشته‌های باستانی را دید.

چلدان ۱ (MK 117): این محوطه در حاشیه‌ی جنوبی روستای چلدان در دامنه‌ای با شیب کم در کنار رودخانه‌ی سرخون با ابعاد تقریبی 70×80 متر قرار گرفته است. این محوطه در بخش شرقی دره‌ی هلوسعد و مشرف به رودخانه‌ی سرخون در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری دیده می‌شود. دره‌ی هلوسعد که در واقع جزئی از دره‌ی رودخانه سرخون است، دره‌ای است در جهت طول با عرضی بسیار کم. هرچه این دره از سرچشمه‌ی رودخانه سرخون به سمت جنوب شرق کشیده شده از عرض آن کاسته می‌شود و در پایین دست روستای رفن به شکل یک تنگه درمی‌آید. تنها مکان مناسب جهت کشت آبی، مرکز این دره است که قابلیت

آبیاری دارد همچنان که این مسئله در اطراف محوطه نیز دیده می‌شود.

چل‌دان ۲ (MK 118): این محوطه در بخش مرکزی روستای چل‌دان در میان خانه‌های روستایی قرار گرفته است. بر سطح این محوطه ساخت و سازهای جدید روستایی ایجاد شده بنابراین اندازه‌گیری دقیق محوطه مشکل است اما در محدوده‌ای به ابعاد 100×100 متر پراکندگی سفال و شواهدی مبنی بر وجود نهشته‌ی باستانی دیده می‌شود. در بخش‌های خاکبرداری شده‌ی تپه به آسانی می‌توان رد نهشته‌های باستانی و ساخت و سازهای سنگی را مشاهده کرد. رودخانه‌ی سرخون در فاصله‌ی ۱۰۰ متری غرب محوطه جاری است. این محوطه پیش از این توسط زاگارل شناسایی و به دوره‌ی نوسنگی تاریخ‌گذاری شده بود.

سرکول سرمازه ۱ (MK 127): این محوطه در یک کیلومتری غرب روستای سرمازه در دره‌ای معروف به لیلنبو (لاله‌انبوه) قرار گرفته است. این دره یکی از بزرگترین دره‌های فرعی منتهی به دره‌ی اصلی هلوسعد است. چشم‌انداز این دره به شکل تپه ماهوریست که از سوی غرب به شرق از ارتفاع آنها کاسته شده تا به دره‌ی هلوسعد و بستر رود سرخون منتهی می‌شوند. سطح این تپه ماهورها پوشش جنگلی بلوط دارد که از سوی شرق به غرب بر تراکم این درختان افزوده می‌شود. در میان این دره بستر رود فصلی کوچکی دیده می‌شود که هم اکنون خشک است. محوطه در میانه‌ی این دره بر دامنه‌ی جنوبی پشته‌ای کم ارتفاع که با شیب ملایم به بستر رود فصلی منتهی می‌شود قرار گرفته است. محوطه محدوده‌ای به ابعاد 150×80 متر است که چون در شیب شکل گرفته دارای سطحی هموار نیست. در فاصله‌ی ۲۲۰ متری جنوب شرق محوطه چشمه‌ی نسبتاً پرآبی جاریست.

بالایده (گمشده) ۲ (MK 174): این محوطه در ۵۰۰ متری شمال شرق روستای متروکه شیاسی و ۱۲۵۰ متری شمال شرق شهرک شیاسی در دره‌ی کوچک معروف به دره قنات و در یک چشم‌انداز تپه‌ماهوری در ۲۶۰۰ متری شمال شرق رودخانه‌ی سرخون قرار گرفته است (شکل ۴). این محوطه روی پشته‌ای کم‌ارتفاعی در دامنه‌ی جنوبی کوهی مرتفع شکل گرفته و سطح آن پوشیده از سنگ‌های لاشه‌ای کوچک و بزرگ است (شکل ۸). ابعاد این محوطه، بر اساس پراکندگی سطحی سفال و دست‌ساخته‌های سنگی آن، 100×100 متر است. در واقع این محوطه بیشتر به شکل پراکندگی یافته‌های سطحی است. خاک محوطه به خصوص در بخش‌هایی که شخم عمیق‌تری خورده به علت درصد بالای فسفر و پتاس موجود در بافت دانه‌ای آن، تیره تر است که این از ویژگیهای شاخص محوطه است.

چشمه شینگو تلخاب ۵ (MK 348): این محوطه در یک چشم‌انداز تپه ماهوری در غرب روستاهای شلیل و عزت آباد و شمال جاده‌ی آسفالت شهرکرد به خوزستان قرار گرفته است (شکل ۵). این محوطه اساساً از نوع محوطه‌های روباز دارای پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی و سفال است. این محوطه بر سطح



شکل ۸: نمای عمومی محوطه‌ی بلائیده (گمشده) ۲، دید از غرب ◀

پشته‌ای نسبتاً کم ارتفاع و بیضی شکل قرار گرفته است (شکل ۹). این پشته از هر چهارسو با شیب ملایمی به تپه ماهورهای اطراف منتهی می‌شود. چشمه‌ی شینگو که آبی نسبتاً تلخ دارد در ۵۰۰ متری غرب این محوطه قرار گرفته است. در کناره‌ی شرقی محوطه آبراه عمیق و عریضی وجود دارد که بستر آن خشک و بدون آب است. سطح خود محوطه شخم خورده و به زیر کشت گندم دیم رفته است و هم اکنون نیز سطح محوطه پوشیده از ساقه‌های دروشده‌ی گندم است. بر سطح محوطه شمار فراوانی سنگهای قلوه و لاشه‌ی کوچک و بزرگ دیده می‌شود. پراکندگی دست ساخته‌های سنگی بر سطح محوطه زیاد و سفال نسبتاً کم است و بیشتر در بخش غربی محوطه دیده می‌شود. بیشترین پراکندگی دست ساخته‌های سنگی و سفال بر سطح، محدوده‌ای به ابعاد ۱۰۰×۷۰ متر است اما با



شکل ۹: نمای عمومی محوطه‌ی چشمه شینگو تلخاب ۵، دید از شمال. ◀

توجه به احتمال مدفون شدن دست ساخته‌ها در زیر رسوبات و لگدکوب شدن بر اثر حرکت مداوم دامهای کوچ‌نشینان، محدوده‌ی اصلی شاید بزرگتر باشد.

سِرِنجَک ۲ (MK 486): این محوطه در فاصله‌ی ۳۶۰۰ متری شرق روستای زینب خاتون در یک چشم انداز تپه ماهوری قرار گرفته که از سوی جنوب با شییبی تند به دره‌ی عمیقی که رودخانه‌ی کارون در آن جاریست منتهی می‌شود (شکل ۴). محوطه عبارت است از پراکندگی سفال و دست‌ساخته‌های سنگی که در محدوده‌ای به طول ۱۰۰ متر در راستای شرقی-غربی و عرض حدود ۵۰ متر شمالی-جنوبی قرار گرفته است. این محدوده در دامنه‌ی جنوبی پشته‌ای طبیعی و مرتفع قرار گرفته و دارای شییبی ملایم از بالادست به پائین دستش است و در واقع یک تراس به شمار می‌رود. محوطه از سه سوی شمال، غرب و شرق به پشته‌های مرتفع و کم ارتفاع اطراف منتهی می‌شود. سطح محوطه و پشته‌های اطراف پوشیده از پوشش جنگلی بلوط است (شکل ۸). خاک محوطه نسبت به خاک محیط پیرامونش که به رنگ قرمز تیره است متفاوت، و به رنگ خاکستری تیره دیده می‌شود. بر سطح محوطه شمار زیادی سنگهای لاشه‌ی کوچک و بزرگ و سنگ‌ریزه دیده می‌شود. چشمه‌ی سِرِنجَک در فاصله‌ی ۲۵۰ متری شمال محوطه جاریست.



تَل‌اَو ۷ (تلخ‌آب) (MK 525): این محوطه بر سطح پشته‌ای کم‌ارتفاع در فاصله‌ی ۳۱۰۰ متری جنوب‌غربی سُکرآباد قرار گرفته است (شکل ۵). محوطه عبارت است از پراکندگی دست‌ساخته‌های سنگی و سفال که روی تپه‌ای طبیعی شکل گرفته است (شکل ۱۱). پراکندگی دست‌ساخته‌ها محدوده‌ای حدود ۶۰×۳۰ متر را در بر می‌گیرد. از سطح این محوطه شمار زیادی سفال و ابزارسنگی مربوط به دوره‌ی نوسنگی به دست آمد. محوطه ارتفاع قابل تمایزی از زمین‌های اطراف ندارد. مساحت این محوطه کمتر از یک هکتار است. محوطه در یک دره‌ی تنگ با ماهیت تپه‌ماهوری قرار گرفته که از شمال به جنوب از ارتفاع این تپه‌ماهورها کاسته می‌شود. در این دره چند وارگه عشایری وجود دارد. چشمه‌ی تَل او در ۴۷۵

▲ شکل ۱۰: نمای عمومی محوطه‌ی سِرِنجَک ۲، دید از غرب

متری شرق محوطه جاریست. خاک محوطه تیره‌تر از محیط پیرامون و به رنگ خاکستری است.



شکل ۱۱: نمای عمومی محوطه‌ی تل‌او ۷، دید از شرق

سفال نوسنگی

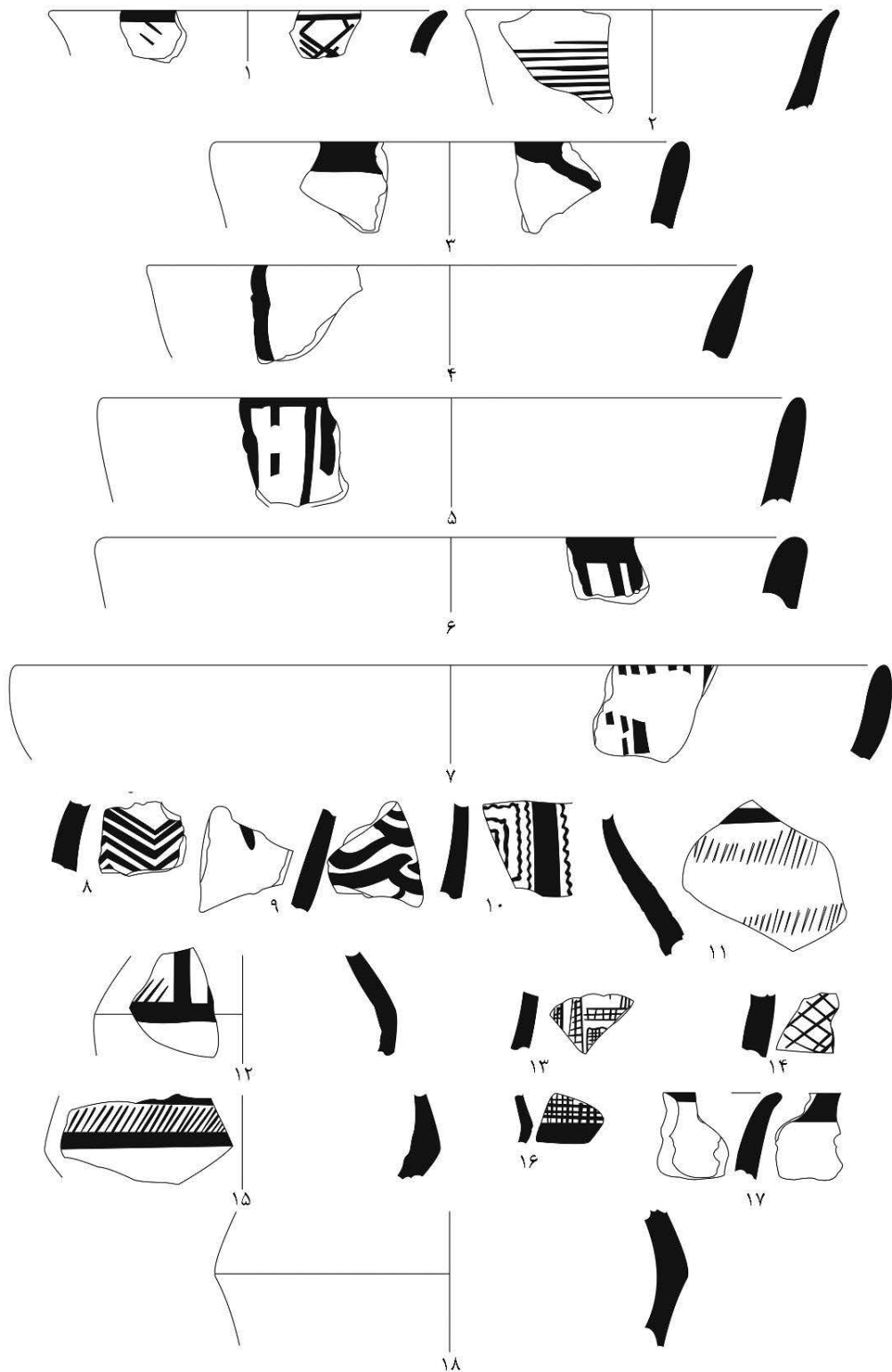
تاریخ‌گذاری شماری از محوطه‌های دوره‌ی نوسنگی به دلیل شمار اندک مواد فرهنگی به دست آمده و نبود نمونه‌های قابل مقایسه‌ی چندانی برای این مواد در دیگر محوطه‌های نوسنگی دشوار است. اما شمار بیشتر این محوطه‌ها دارای مواد فرهنگی به خصوص سفال مشابه به محوطه‌های پیش از تاریخ فارس (فرهنگ جری و موشکی) و خوزستان هستند^۲. با این حال مطالعه‌ی اولیه‌ی سفالهای به دست آمده از محوطه‌های نوسنگی بخش میان‌کوه نشان می‌دهد که این محوطه‌ها احتمالاً مربوط به چند مرحله‌ی فرهنگی دوره نوسنگی هستند^۳. سفالهای نوسنگی بسیار پوک و شکننده هستند و به رنگ قرمز، قهوه‌ای قرمز، قهوه‌ای و نخودی با شاموت گیاهی و شن ریز و دانه‌های سفید دیده می‌شوند. مغز تمامی سفالها خاکستری تیره تا سیاه است. تمامی آنها دست‌ساز و بافت شکننده‌ای دارند. میزان شاموت گیاهی به کار رفته در سفال بسیار زیاد به طوریکه به خوبی در مقطع و سطح سفال دیده می‌شود. تعدادی پوشش قهوه‌ای و قرمز صیقلی دارند که اثر صیقل به شکل خطوط افقی بر سطح سفال دیده می‌شود. سفالها بسیار فرسوده و خورده شده‌اند و تعدادی نیز رسوب گرفته‌اند.

سفال نوسنگی با پوشش قرمز در بیشتر محوطه‌ها بسیار متداول است و نشانگر مرحله‌ی اصلی نوسنگی^۴ با سفال در میان‌کوه و قابل مقایسه با سفال شناسایی شده در دشت شهرکرد است (زاگارل، ۱۳۸۷). سفال مشابه به جری (بنگرید به: Egami et al. 1977) نیز به رنگ نخودی با شاموت گیاهی و شن ریز دیده می‌شود. سطح آن دارای پوشش نخودی و گاهی صیقلی است. نقوشی به رنگ سیاه یا قهوه‌ای روی سطح خارجی یا داخلی سفال اجرا شده است. سفالها پوک و شکننده و سطح شماری از آنها لکه‌دار است. اشکال ظروف بسیار ساده و بیشتر به شکل کاسه‌های کوچک و بزرگ یا دیگچه است.

۲. از سطح محوطه‌های نوسنگی شمار زیادی دست‌ساخته‌ی سنگی نیز به دست آمد. در شماری از این محوطه‌ها با توجه به وجود دست‌ساخته‌های مربوط به دوره‌های دیگر هنوز به طور کامل مطالعه نشده‌اند که در آینده در مقاله‌ای جداگانه نتایج مطالعات آن به چاپ خواهد رسید.

۳. بر اساس گمانه‌زنی که زاگارل در تپه قلعه رستم در لردگان انجام داده سه مرحله فرهنگی مربوط به دوره نوسنگی را تشخیص داده است. این محوطه را باید به عنوان محوطه نمونه در سراسر بخشهای مرتفع بختیاری در نظر گرفت. توالی فرهنگی محوطه‌های نوسنگی دیگر این بخش از بختیاری از توالی فرهنگی قلعه رستم پیگیری می‌کند، اگرچه تفاوت‌های محلی نیز دیده می‌شود (بنگرید به: زاگارل، ۱۳۸۷).

۴. منظور مرحله ۲ دوره نوسنگی است.



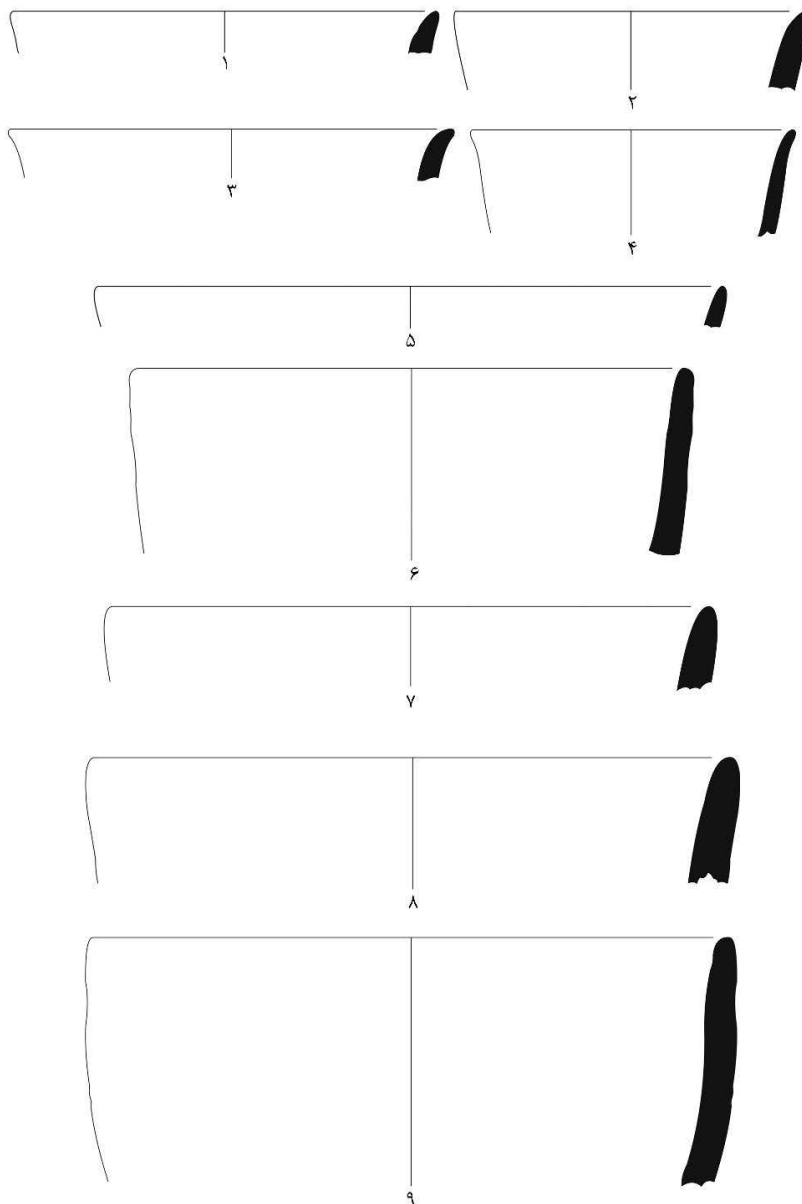
▲ شکل ۱۲: منتخبی از طرح سفال‌های محوطه‌های نوسنگی میان‌کوه

توصیفات و مشابهات سفال‌های
نوسنگی شکل ۱۲.

ردیف	مشخصات	محوطه	مشابهات
۱	نارنجی روشن، شاموت ماسه، ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ نخودی بر سطح داخل و خارج.	MK 65	Brenbeck 1989, Abb. 40: b
۲	نخودی خاکستری، شاموت ماسه، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ نخودی بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی سیاه بر دو سطح.	MK 174	Sumner 1972, Pl. III: C Delougaz & Kantor 1996, fig. 34: IIb Alizadeh 2003, fig. 27: f
۳	نخودی، مغز خاکستری، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم صیقلی بر سطح داخل و خارج.	MK 109	Brenbeck 1989, Abb. 37: c; Abb. 88: d
۴	نخودی، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش قرمز بر سطح خارج و روی لبه در داخل، نقوش قهوه‌ای تیره بر سطح خارج.	MK 65	Brenbeck 1989, Abb. 52: i
۵	نخودی نارنجی، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ نخودی بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی سیاه بر دو سطح.	MK 65	Brenbeck 1989, Abb. 79: f
۶	نخودی، مغز خاکستری روشن، شاموت شن ریز، گیاهی و ذرات ریز سفیدرنگ، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ قرمز صیقلی بر سطح داخل و خارج، نقوش قرمز بر سطح داخل.	MK 109	Brenbeck 1989, Abb. 95: a
۷	نارنجی، مغز خاکستری تیره، شاموت ماسه، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ قرمز بر سطح داخل و خارج، اثر نقوش قهوه‌ای قرمز بر سطح داخل.	MK 109	Fukai et al. 1973, pl. XVIII: 2; pl. XLVIII: 3 زاگارل، ۱۳۸۷، شکل ۱۱: ۱ زاگارل، ۱۳۸۷، شکل ۱۳: ۵
۸	نخودی خاکستری، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ نخودی بر سطح داخل و کرم بر سطح خارج، نقوش هندسی سیاه بر سطح خارج.	MK 174	
۹	نخودی، شاموت شن ریز، ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم صیقلی بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی قهوه‌ای قرمز بر سطح خارج.	MK 109	Alizadeh 2003, fig. 23: b
۱۰	کرم سبز، شاموت ماسه و دانه‌های ریز سفید، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم سبز بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی سیاه بر سطح خارج.	MK 174	Alizadeh 2003, fig. 21: k, l; fig. 24: v
۱۱	کرم سبز، شاموت ماسه و دانه‌های ریز سفید، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم سبز بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی سیاه بر سطح خارج.	MK 174	خسروزاده ۱۳۸۶، شکل ۲۳: ۲
۱۲	نخودی کرم، شاموت ماسه، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم بر سطح خارج، نقوش هندسی سیاه بر سطح خارج.	MK 65	
۱۳	نخودی کرم، شاموت ماسه، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی سیاه بر سطح خارج.	MK 65	
۱۴	نخودی، مغز خاکستری روشن، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم بر سطح داخل و خارج، نقوش هندسی قهوه‌ای بر سطح خارج.	MK 117	Brenbeck 1989, Abb. 74: f Alden et al. 2004, fig. 5: 13
۱۵	کرم سبز، شاموت ماسه و دانه‌های ریز سفید، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ نارنجی قهوه‌ای بر سطح خارج و قهوه‌ای صیقلی بر سطح داخل، نقوش هندسی سیاه بر سطح خارج.	MK 174	Brenbeck 1989, Abb. 55: l; Abb. 59: f; Abb. 80: f
۱۶			
۱۷	قهوه‌ای روشن، مغز خاکستری روشن، شاموت ماسه، ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ قهوه‌ای روشن صیقلی بر دو سطح، نوار سیاه رنگ روی لبه.	MK 109	Brenbeck 1989, Abb. 84: e خسروزاده ۱۳۸۶، شکل ۲۳: ۵
۱۸	نخودی، مغز سیاه، شاموت ماسه، ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ نخودی نارنجی صیقلی بر دو سطح.	MK 109	Brenbeck 1989, Abb. 59: f, p Fukai et al. 1973, pl. XLVIII: 3 Weeks et al 2006, fig. 3. 65: TNP. 1808

قدیمی‌ترین سفال‌های به دست آمده از محوطه‌های گرچگاه ۵، ملک‌شیر ۵، سرکول سرمازه، و سرنجک ۲ شباهتهایی با سفال‌های محوطه‌های نوسنگی مرودشت، یعنی سفال‌های تل موشکی (Fukai et al. 1973) و تل جری (Ega- mi et al. 1977) دارد. سفال‌های سبک موشکی به دست آمده از این محوطه‌ها به روشنی حاکی از این است که استقرار همزمان با دوره‌ی موشکی در این محوطه‌ها وجود داشته است.

بر اساس کاوش‌های لایه‌نگاری تل نورآباد، اثبات شده است که دوره‌ی موشکی به پیش از دوره‌ی جری تعلق دارد. با تاریخ‌های رادیوکربن به دست آمده در آغاز هزاره‌ی ششم پیش از میلاد که از بقایای دوره‌ی انتقالی موشکی-جری در تل نورآباد به دست آمده است، به نظر می‌رسد که احتمالاً استقرار دوره‌ی موشکی در منطقه‌ی فارس از اواخر هزاره‌ی هفتم پیش از میلاد آغاز شده است (Weeks et al. 2006: 74). با توجه وجود سفال موشکی در محوطه‌ی پیش گفته در میان کوه احتمالاً استقرار در این محوطه‌ها نیز مربوط به این تاریخ است. برای مثال سفال‌های شکل ۱۲: ۷؛ شکل ۱۴: ۱۱ که از محوطه‌های ملک‌شیر و



► شکل ۱۳: منتخبی از طرح
سفال‌های محوطه‌های نوسنگی
میان‌کوه

A

► توصیفات و مشابهات سفال‌های
نوسنگی شکل ۱۳

ردیف	مشخصات	محوطه	مشابهات
۱	نخودی کرم، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ قهوه‌ای بر سطح داخل و خارج.	MK 65	Brenbeck 1989, Abb. 53: h; Abb 82: c; Abb 84: a
۲	کرم سبزه، شاموت ماسه و دانه‌های ریز سفید، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم سبز بر سطح داخل و خارج.	MK 174	Brenbeck 1989, Abb. 37: a
۳	نخودی، شاموت ماسه و دانه‌های ریز سفید، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم سبز بر سطح داخل و خارج.	MK 174	Weeks <i>et al</i> 2006, fig. 3. 78: TNP. 1470
۴	کرم سبزه، ماده چسبنانده ماسه و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، دست‌ساز، پوشش کرم سبز بر سطح داخل و خارج.	MK 174	
۵	قهوه‌ای روشن با مغز خاکستری روشن، شاموت ماسه، ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل.	MK 109	
۶	نخودی، شاموت شن ریز و مواد گیاهی، خشن، دست‌ساز، بدون پوشش.	MK 118	Brenbeck 1989, Abb. 83: h Potts <i>et al</i> 2009, fig. 3. 81: TNP. 1380
۷	نخودی، شاموت شن ریز و مواد گیاهی، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ قرمز بر سطح داخل و خارج.	MK 127	Weeks <i>et al</i> . 2006, fig. 8: TNP 1551
۸	نخودی، شاموت شن ریز و مواد گیاهی، خشن، دست‌ساز، بدون پوشش.	MK 118	Brenbeck 1989, Abb. 88: d
۹	نخودی نارنجی، شاموت گیاهی، خشن، دست‌ساز، بدون پوشش.	MK 117	

سرکول سرمازه به دست آمده‌اند و قابل مقایسه به نمونه‌های تل موشکی (Fu- 3: 14: 9 که به ترتیب از محوطه‌های سرنجک ۲ و گرچه‌گاه ۵ به دست آمده و قابل مقایسه با نمونه‌های به دست آمده از تل نورآباد هستند (Weeks et al 2006, fig. 3.7: TNP 1530; TNP 1551).

نقش مایه‌های تزئینی روی یکی از سفالهای به دست آمده از محوطه‌ی بلایده‌ی ۲ به شکل خطوط افقی و موازی به رنگ سیاه است (شکل ۱۲: ۲). این نوع نقش‌اندازی در دوره‌ی سوزیانای عتیق III در چغابنوت (Alizadeh 2003, fig. 27: f) و خصوصاً در چغامیش (Delougaz & Kantor 1996, fig. 34: IIB) بسیار رایج بوده است. از بررسی‌های حوزه‌ی رود کر (Sumner 1972, Pl. III: C) نیز این گونه سفال از سطح محوطه‌های نوسنگی به دست آمده است. این سفال یکی از شاخصه‌های سفالی این مرحله قلمداد شده و به نام سفال با خطوط نزدیک به هم معروف شده است. در میان سفال‌های سوزیانای عتیق به خاطر بکارگیری مواد معدنی در خمیره و اندازه و خمیره‌ای یکنواخت متمایز از سایر سفال‌ها است. خمیره‌ی آن به رنگ نخودی‌خاکستری روشن یا نخودی سبز و گاهی میل به زرد و به ندرت نخودی نارنجی روشن دیده می‌شود. در بعضی موارد نیز پوششی به رنگ خمیره روی آن کشیده شده است اما در شماری از آنها استفاده از پوشش بر سطح، چندان قطعی نیست (Delougaz & Kantor 1996, 229-230).

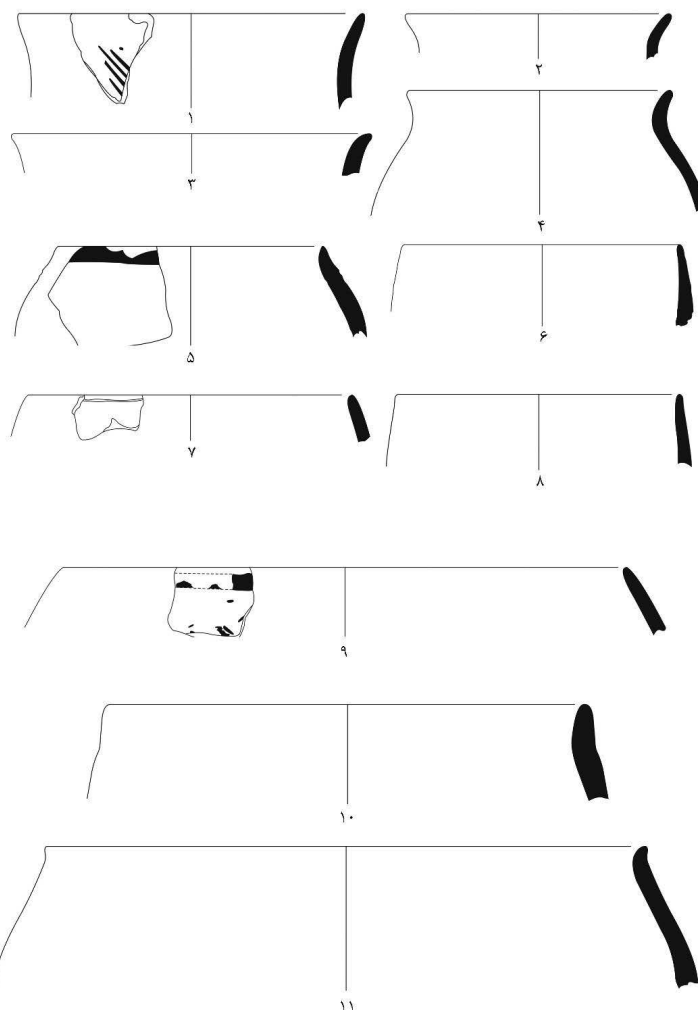
نقوش سیاه‌رنگ به شکل مربع‌های متحدالمرکز با خطوط مواج که توسط نواری پهن از هم جدا شده از دیگر نقوش شاخصی است که بر سطح سفالهای محوطه‌ی بلایده‌ی ۲ دیده می‌شود و مشابه به نقش مایه‌های به کار رفته بر سطح سفالهای دوره‌ی شکل‌گیری سوزیانای چغابنوت خوزستان است (شکل ۱۲: ۱۰) (Alizadeh 2003, fig 24,27).

سفالهای دو رنگ از محوطه‌های نوسنگی میان‌کوه به دست نیامد و به نظر می‌رسد این گونه سفال شاخصه‌ی بخش‌های جنوبی چهارمحال و بختیاری (لردگان) باشد که شمار زیادی از این گونه سفالها از محوطه‌ی قلعه رستم به دست آمده است (Brenbeck 1989). همچنین این گونه سفال از محوطه‌های نوسنگی بخش‌های شمال غرب فارس (Zaidi et al. 2006) و تل مرغ نزدیک کازرون (Sumner 1977) هم به دست آمده است.

در بین فرهنگ‌های نوسنگی قدیم جنوب غرب، سفالهای قلعه‌رستم I و II بیشترین شباهت را با محوطه‌های نوسنگی قدیم میان‌کوه دارند. شاید تنها تفاوت بین سفالهای این مراحل قلعه رستم و سفالهای نوسنگی میان‌کوه در وجود نقش‌های دو رنگ و نقوش شاخص به شکل صورتک‌های انتزاعی انسانی در انواع ترکیبها دانست (Nissen & Zagarell 1976, fig. 5: 5-11).

هیچ تاریخ‌گذاری مطلق برای قلعه‌رستم I در دست نیست ولی به احتمال فراوان باید با شوشان عتیق و مرحله‌ی محمد جعفر در دهلران همزمان باشد. با این وصف، سفال قلعه رستم I شبیه به هیچیک از مجموعه سفالهای همزمانش نیست، و پیچیدگی نقش مایه‌های جسورانه‌ی تزئینی آن در بین فرهنگ‌های اوایل نوسنگی خاور نزدیک بی‌سابقه است. با توجه به تمام ویژگی‌های سفال قلعه رستم و عناصر مشترک آن با سفالهای ابتدایی فارس، می‌توان احتمال داد که خاستگاه سنت‌های سفالی موشکی و جری در نواحی شهرکرد و خان میرزا در کوه‌های زاگرس، باشد (علیزاده ۱۳۸۳: ۷۶).

توصیفات و مشابهات سفالهای
نوسنگی شکل ۱۴.



ردیف	مشخصات	محوطه	مشابهات
۱	نخودی خاکستری، شاموت ماسه، نسبتاً ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ نخودی بر سطح خارج و نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	MK 174	Brenbeck 1989, Abb. 32: d
۲	قهوه‌ای روشن با مغز خاکستری روشن، شاموت ماسه، ظریف، دست‌ساز، پوشش غلیظ قهوه‌ای بر سطح خارج و داخل.	MK 109	Brenbeck 1989, Abb. 72: c
۳	نخودی، شاموت ماسه و دانه‌های ریز سفید، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم سبز بر سطح داخل و خارج.	MK 174	Potts et al 2009, fig. 3. 78: TNP. 1470
۴	نخودی مایل به زرد، مغز و سطح داخل خاکستری، ماده چسبنانده ماسه، گیاهی و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، دست‌ساز، پوشش کرم قهوه‌ای بر سطح خارج.	MK 174	Brenbeck 1989, Abb. 46: g; Abb. 50: b Nissen & Zagarell 1976, fig. 4: 7 Fukai et al. 1973, pl. XLVIII. 2
۵	نخودی روشن با مغز خاکستری روشن، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ قرمز صیقلی بر سطح خارج.	MK 174	Alden et al. 2004, fig. 5: 22 زاگارل ۱۳۸۷، شکل ۱۲: ۸
۶	نخودی خاکستری، مغز خاکستری سیاه، شاموت گیاهی، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ قرمز صیقلی بر سطح خارج و قرمز بر سطح داخل.	MK 486	Zagarell 1982, fig. 11: 5
۷	نخودی نارنجی، شاموت شن ریز و ماسه، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم بر سطح داخل و خارج.	MK 127	Summer 1972, pl. V: c Bernbeck 1989, Abb 31: b Alden et al. 2004, fig. 5: 19 Weeks et al. 2006, fig. 8: TNP 1557
۸	نخودی، شاموت شن ریز، ظریف، دست‌ساز، پوشش قهوه‌ای کرم صیقلی بر سطح داخل و قهوه‌ای روشن بر سطح خارج.	MK 109	Brenbeck 1989, Abb. 77: a
۹	نخودی خاکستری، شاموت شن ریز و دانه‌های ریز سفیدرنگ، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم بر سطح خارج و نقوش هندسی سیاه‌رنگ بر سطح خارج.	MK 486	Brenbeck 1989, Abb. 31: b Alizadeh 2003a, fig. 26: f Weeks et al 2006, fig. 3.7: TNP 1530
۱۰	نخودی، شاموت شن ریز و ماسه، معمولی، دست‌ساز، پوشش غلیظ کرم بر سطح داخل و خارج.	MK 65	Brenbeck 1989, Abb. 83: k
۱۱	قهوه‌ای با مغز سیاه‌رنگ، شاموت شن ریز، معمولی، دست‌ساز، بدون پوشش.	MK 65	Fukai et al. 1973, pl. XVIII. II

نتیجه گیری

با توجه به اطلاعات بسیار اندک در مورد مرحله‌ی اولیه‌ی استقرار در دوره‌ی نوسنگی در میان کوه، دوره‌ی نوسنگی با سفالی ساده و خشن با شاموت گیاهی شناخته می‌شود. این گونه سفال در شماری از محوطه‌ها از جمله سرکول سرمازه مؤید استقرار در اوایل دوره‌ی نوسنگی است.

اگرچه مواد فرهنگی مورد مطالعه در این مقاله در بررسی‌های باستان‌شناسی به دست آمده، اما می‌تواند تا حدودی در روشن کردن ابعاد گوناگون باستانی شناختی دوره‌ی نوسنگی این منطقه‌ی نه چندان شناخته شده مفید باشد، هرچند که نتایج نسبی باشد. شناخت الگوی استقرار و تأثیر عوامل محیطی و زیستی در چگونگی شکل‌گیری و تراکم مکان‌های استقرار نقش اساسی دارد. منطقه‌ی میان کوه به دلیل دارا بودن اقتصاد ترکیبی بر پایه‌ی دامداری و کشاورزی و تسلسل این سبک زندگی از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر از اهمیت بالایی برخوردار است. در دوره‌ی نوسنگی نقش کوچ‌نشینان در تقابل با یکجانشینان پررنگ می‌شود. بر پایه‌ی گونه‌های سفال نوسنگی جمع‌آوری شده از محوطه‌های این منطقه، و ارتباط این گونه‌های سفالی با مناطق پیرامونی به این نتیجه دست یافتیم: سفال‌های نوسنگی این منطقه در نگاه اول تحت تأثیر سفال مناطق شمال فارس به خصوص حوزه‌ی رودکر به نظر می‌رسند. بسیاری از سفال‌های این دوره از نظر پوشش، نوع و رنگ نقش بکاررفته بر سطح شباهت نزدیکی را با سفال‌های فرهنگ موشکی و بیشتر جری نشان می‌دهند. شکل‌ها تا حدودی متفاوت‌تر از سفال‌های جری‌اند. در خمیره‌ی بیشتر سفال‌های این منطقه علاوه بر مواد گیاهی اندک، ماسه، شن ریز و گاهی ذرات ریز سفیدرنگ دیده می‌شود در حالی که در سفال‌های نوسنگی سایر مناطق جنوب و جنوب‌غرب ایران چنین ترکیبی دیده نمی‌شود. چنین ترکیبی در سفال‌های قلعه‌رستم و سفال‌های نوسنگی به دست آمده از دیگر بررسی‌های انجام شده در استان نیز دیده می‌شود. شباهت سفال میان کوه با سفال قلعه‌رستم و استفاده از مواد مشابه در خمیره، نشان از سبکی محلی در ساخت سفال نوسنگی در مقایسه با فارس و خوزستان دارد.

بخش میان کوه به دلیل قرارگیری در خط سراسری زاگرس مرتفع از نظر ساختار زمین بسیار متفاوت‌تر از سایر نقاط استان است. این ناحیه بیشتر به شکل کوه‌های بسیار مرتفعی است که به وجود آورنده‌ی دره‌های موازی و عمیق، و دشت‌های کوچک میان آنها است. در اینجا کمتر زمینی را می‌توان پیدا کرد که کمتر از ۱۰۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع داشته باشد. بیشتر محوطه‌ها در ارتفاع ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ متر دیده شده که با توجه به توپوگرافی منطقه، متعادل‌ترین ارتفاع جهت ایجاد سکونتگاه‌های باستانی و حتی امروزی به شمار می‌رود. در این منطقه استقرارها هم به شکل کوچ‌نشین و هم یکجانشین دیده می‌شوند. محوطه‌هایی که در نزدیکترین فاصله از رودخانه‌ی سرخون و در دره‌ی اصلی آن قرار گرفته‌اند به واسطه‌ی شیب کمتر از ۱۰ درصد، قرارگیری در اراضی با قابلیت کشاورزی، میانگین ارتفاع ۱۵۰۰ متر، اقلیم نیمه‌مرطوب گرم، نزدیکی به منابع آب، دسترسی آسان به مسیرهای ارتباطی، غنی بودن خاک‌های آبرفتی، پوشش جنگلی و مراتع غنی بخش‌های پیرامونی آن، ظرفیت لازم را جهت برپایی سکونتگاهی دائمی دارا هستند. محوطه‌های گرچگاه ۵، ملک شیر ۵، چلدان ۱ و

چلدان ۲ را می‌توان شاخصه‌ی سکونت‌ی پایدار و یکجانشین دانست. ویژگی مشترک این محوطه‌ها شکل تپه مانند آنها و تداوم استقرار از دوره نوسنگی به مس و سنگ است. در مقابل استقرارهای کوچ‌نشینی در ارتفاعی به مراتب بالاتر قرار دارند. در برخی نقاط میان‌کوه، دره‌های طولی فرعی با شیب زیاد دیده می‌شود. خاک در این قسمت‌ها به واسطه‌ی شیب بیش از ۱۵ درصد عمق زیادی نداشته و این دره‌ها دور از رودخانه قرار دارند. در دامنه‌ی آنها چشمه‌های کم‌آب دائمی به چشم می‌خورد. بر تراس‌های آن پوشش مرتعی مناسبی جهت چرای دام دیده می‌شود که قطعاً مورد توجه کوچ‌نشینان در دوران مختلف بوده است. محوطه‌ی سرنجک ۲ نمونه‌ی بارزی از استقرارهای کوچ‌نشینی است. به غیر از محوطه‌ی سرنجک ۲، محوطه‌های بلائیده ۲، چشمه شینگو تلخاب ۵ و سرکول سرمازه ۱ نیز استقرارهایی کوچ‌نشینی هستند.

منابع

۱. **خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۶**، گزارش بررسی باستان‌شناختی شهرستان فارس، فصل نخست، شهرکرد: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).
۲. **خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۸**، گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش میان‌کوه، شهرستان اردل، فصل نخست، شهرکرد: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).
۳. **خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۹**، گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش میان‌کوه، شهرستان اردل، فصل دوم، شهرکرد: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).
۴. **خسروزاده، علیرضا، ۱۳۹۰**، گزارش بررسی باستان‌شناختی بخش میان‌کوه، شهرستان اردل، فصل سوم، شهرکرد: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان چهارمحال و بختیاری (منتشر نشده).
۵. **زاگارل، الن، ۱۳۸۷**، باستان‌شناسی پیش‌ازتاریخ منطقه‌ی بختیاری: ظهور شیوه‌ی زندگی در ارتفاعات، ترجمه‌ی کوروش روستایی، شهرکرد، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
۶. **علیزاده، عباس، ۱۳۸۳**، منشأ نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس، تل باکون، کوچ‌نشینی باستان و تشکیل حکومت‌های اولیه، ترجمه‌ی کوروش روستایی، تهران، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد.
۷. **علیزاده، عباس، ۱۳۸۷**، شکل‌گیری حکومت عشایری و کوهستانی عیلام باستان، شهرکرد، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری.
۸. **نوروزی، علی‌اصغر، ۱۳۸۸**، "مطالعات باستان‌شناسی در حوضه‌ی آب‌خیز کارون شمالی (چهارمحال و بختیاری)". در مطالعات باستان‌شناسی ۲: ۱۷۵ - ۱۶۱.

9. **Alizadeh, A. 2003.** Excavations at the Prehistoric Mound of Chogha Bonut, Khuzestan, Iran: Seasons 1976/77, 1977/78, and 1996, Oriental Institute Publications Volume 120, Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago.

10. **Bernbeck, R. 1989.** Die Neolithische Keramik aus Qale Rostam,

Bakhtiyari Gebiet (Iran):Klassifikation, Produktionsanalyse und Datierungspotential, *Alturtumswissenschaften* 10, Schäuble Verlag, Berlin.

11. Delougaz P., and Kantor H.J. 1996. Chogha Mish: The First Five Season of Excavation, 1961-1971. Oriental Institute Publications 101, The Oriental Institute, Chicago.

12. Fukai, S., Horiuchi, K. and Matsutani, T. 1973. Marv-Dasht III: The Excavation at Tall-i-Mushki 1965, Tokyo University Iraq-Iran Archaeological Expedition Reports 14, Institute of Oriental Culture of the University of Tokyo, Tokyo

13. Alden, J. R., Abdi, K., Azadi, A., Biglari, F. and Heydari, S. 2004. "Kushk-e Hezar: A Mushki/Jari period site in the Kur River Basin, Fars, Iran". *Iran* 42: 25-45.

14. Nissen, H. J. and Zagarell, A. 1976." Expedition to the Zagros Mountains". In Proceedings of the IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, 1975, Ed. Bagherzadeh, F. , Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research:159-189.

15. Sumner, W. M. 1972. Cultural Development in the Kur River Basin, Iran: an archaeological analysis of settlement patterns, PhD Dissertation, University of Pennsylvania.

16. Sumner, W. M. 1977. Early Settlements in Fars Province, Iran, In Mountains and Lowlands: Essays in the Archaeology of Greater Mesopotamia, (Eds. Levine, L. D. and Cuyler Young, T.), *Bibliotheca Mesopotamia: Primary Sources and Interpretive analyses for the Study of Mesopotamian Civilization and its Influences from later prehistory to the end of the cuneiform Tradition*, 7, Undena Publications, Malibu: 291-305.

17. Weeks L.R., Alizadeh K., Niakan L., Alamdari K., Khosrowzadeh A., and Zeidi M. 2006a. Excavations Tol-e Nurabad. In: D.T. Potts and K. Roustaei (eds.), *The Mamasani Archaeological Project Stage 1: A Report on the First Two Seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*: 31-88. Tehran: Iranian Center for Archaeological Research.

18. Zagarell, A. 1975. "An Archaeological Survey Northeast Baxtiari Mountains". In Proceedings of the IIIrd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, 1975, Ed. Bagherzadeh, F. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research:145-156.

19. Zeidi M., McCall B., and Khosrowzadeh A., 2006. Survey of Dasht-e Rostam-e Yek and Dasht-e Rostam-e Do. In: D.T. Potts and K. Roustaei (eds.), *The Mamasani Archaeological Project Stage 1: A Report on the First Two Seasons of the ICAR-University of Sydney Expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*: 147-168. Tehran: Iranian Center for Archaeological Research.

Neolithic Periods in Western Chaharmahal and Bakhtiari: Newfound Sites in Miankouh Region, Ardal County

Dr. Alireza Khosrowzadeh

Assistant Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities, Shahre-
kord University

Akxosrowzadeh@yahoo.com

Mohsen Bahraminia

MA Graduated in Archaeology

Abstract

Prior to 2008, simply a single Neolithic site was known from the southwestern Chaharmahal and Bakhtiari Province. Therefore, there was too few data on the nature of sedimentary settlement and development of nomadic subsistence in the region. Three seasons of survey programs carried out from 2008 to 2011 in the Miankouh region in the southwest of Ardal County, which represents one of the most mountainous parts of the province, produced significant results. In particular, a total of 600 sites dating from the Paleolithic up to the Qajar period were recorded, of which nine belonged to the Neolithic period. The recorded Neolithic sites lie for the most part in Sar Khun and Holusa'd valleys.

The identified sites are mainly located in large and small valleys and on slopes. They show all the morphological characteristics of the modern nomadic settlements except that some contain evidence of continued settlements. Analysis of the Neolithic sites reveals that they all were simply transient settlements, i.e. either was abandoned after this short period or were used for another short period.

The Neolithic pottery from this region, with little few similarities with materials from Mushki and Jari in Fars and Neolithic ceramics of Khuzestan, finds closest parallels among the assemblage from Qale Rustam, which probably had a local origin. Among the early Neolithic cultures of Southwest, ceramics from Qale Rustam I and II show the closet similarities with early Neolithic sites of Miankouh.

Keywords:

Neolithic, Miankouh, Mushki, Jari, Qale Rustam

